



ضمیمه نوجوان

شماره ۹۵ ■ ۱۸ فروردین ۱۴۰۱

نوجوان
بازار



عطیه ضرابی

یک بررسی هول هولکی درباره نخستین اتفاقات قرن اولین ها

خیلی از آدم ها اهل ثبت اتفاقات زندگی شان هستند مثلاً اگر بخواهیم خیلی تاریخی به این قضیه نگاه کنیم از همان موقع که انسان های اولیه شروع به ثبت و نقاشی ماجرای شکار خود بر دیواره های غار کردند و تا همین امروز که برنامه هایی مثل اینستاگرام و مشتقاتش، دائم به تو یادآوری می کنند که در فلان روز در حال انجام فلان کار بودی، علاقه به ثبت جریانات ادامه داشته و دارد اما چون مادر برهه حساسی هستیم و قرن پرچالشی را از سر گذرانده ایم و مطمئنیم که ما را به سخت جانی خود این گمان نبوده؛ شکل و شمایل ثبت کردن اتفاقات مان واژه های مشترکی دارد. «آخرین فلان قرن»، یکی مانده به آخرین بهمان قرن، چنین و چنان قرن و... و از آنجا که هیچ چیز از زیر ذره بین نوجوانه در نمی رود در این شماره به اولین های قرن سر زده ایم. از همان صدای یامقلب القلوب مجری تلویزیون تا همین لحظه.



اولین تعصب قرن

از ماجرای سیلی ویل اسمیت و اتفاقات هیجان انگیز اسکار که بگذریم، می رسمیم به اظهار نظریکی از هم زبانان مان در آن سوی دنیا، مبنی بر این که چرا آهنگ خلیج فارس شان را در کشورهای عربی نمی خوانند؟ ماکه می دانیم چرا، اما شما و هم فکرات آن هلال زیبای پایین گریه مان را دیده اید؟ همانی که دوست دارم بروم و در گوش تمام عالمیان نامش را فریاد بزنم، همان خلیج همیشگی فارس. ما آن را به راحتی به دست نیاوردیم که بخواهیم هرچه راحت تر به بهای دوقران و ده شاهی بیشتر بفروشیمش. ما آن را از چنگ و دندان انگلیسی ها، پرتغالی ها و بعضی ها پس گرفته ایم و پای وطن که در میان باشد؛ رگ میهن دوستی مان آن قدر یاد می کند و جلوی چشم مان را می گیرد که کنسرت و سود بیشتر و دلایل بی ریشه قانع مان نمی کند. ما ارزش قائلیم برای چیزی که بهایش را داده ایم، رئیسعلی دلواری ها، دلبران تنگستان و نادر مهدوی ها را که برای این پهنه رفتند؛ پهنه ای که همیشه نامش فارس است. این را فارس زبان ها بیشتر بدانند.



اولین نوجوانه قرن

این هم اولین نوجوانه قرن بود. اگر همه مطالب را خوانده باشید و از آن آدم های تیز باشید، متوجه می شوید نخ تسبیح این شماره «شروع» بود. از آن شروع هایی که بعد از تکاندن خاک روی زانو است و صدای ریز بسم الله گفتن پشت بندش می آید. ما هم با قرن جدید دوباره شروع شدیم و لحظه تحویل سال از خدا خواستیم قلم هایمان بهتر بنویسد تا بهتر بخوانید و بهتر از قبل باشیم. این کلمات اولین نوجوانه قرن است که می خواهد با شما خدا حافظی کند، ما برمی گردیم. مراقب اولین هایتان باشید. اولین ها فقط یک بار تکرار نمی شوند.



اولین طلای نوجوانان قرن

نخستین مدال طلای هندبال دختران نوجوان ایران در نخستین روزهای نخستین سال قرن. اگر با خواندن این جمله چشم های شما هم به خواندن واژه نخستین آلرژی پیدا کرد حق دارید. ولی ما باید چشم دیدن این همه موفقیتی که مثل یخی که وسط تابستان از گلولیت سر می خورد پایین و دل را خنک می کند داشته باشیم. شاید شما هم مثل من اوایل عید و وسط دید و بازدیدها و سردرگمی تان بین دست دادن یا مشت زدن یادتان رفته باشد که اخبار را چک کنید و از این تاریخ سازی اهالی هندبال دیر کیف کنید.



اولین شهید قرن

قضیه همان است که مادرها گفته بودند، همان شعری که خیلی هایمان حفظیم. شب ها که می خوابیم، آقا پلیس ها واقعاً بیدارند و دنبال شکار. مثلاً همین فروردین شبی که یا خواب بودیم یا در سفر یا خانه خاله ای، عمومی، عمه ای، یکی شهید مدافع وطن می شود و دخترش ارغوان در خانه چشمش به در می ماند تا پدرش برگردد که بر نمی گردد. اولین شهادت قرن را ستوان یکم منصور بزی ساکت رقم زد. وقتی برای حفظ امنیت در شب در شهرستانی از سیستان و بلوچستان بود و در حال دفاع؛ وقتی که چاقوی ارادل و او باش برنده تر از خیلی چیزها بود، چشم هایش را بست.



اولین تولد قرن

شاید بهتر باشد اولین هایمان را با تولد شروع کنیم. از آن تولد هایی که مولودش می تواند تا سال ها بگوید: «من اولین بچه قرن ۱۵ هجری شمسی هستم». و بادی به غبغبش بیندازد و اضافه کند: «حتی در تنها نشریه مکتوب نوجوانان هم به من پرداخته شده» اولین موجودی که خدا به او اعتماد کرد و در این قرن به زمین فرستادش؛ یک دختر سه کیلو و ۲۰۰ گرمی بود به نام سوبین که دوشنبه چشم هایش را باز کرد و با دوربین ها و میکروفن هایی روبه رو شد که سمت پرستار هایش گرفته بودند. سوبین، حال خوبی دارد و در کنگان مراحل بزرگ شدنش را می گذراند.



اولین شوک سیاسی قرن

شما چه بخواهید و چه نخواهید؛ چه فوتبالی باشید و چه از تعداد بازیکن های داخل زمین هم خبردار نباشید حداقل یکی دوتا لطیفه بامزه درباره قرعه کشی جام جهانی خوانده اید. حتما می دانید امسال قرار است به جای بازیکن، رزمنده بفرستیم و به جای گزارشگر، روایتگر. به قول اهل مطالعه، تاریخ تکرار می شود و دوباره پونه ای که دوستش نداریم جلوی لانه مان سبز شده و تازه چارو هم به دمش بسته است. امیدوارم شما مخاطب فهیم، اهل فضل و مطالعه بدانید که اینها یک مشت مزاح است و صرفاً خواستم اطلاع بدهم ک عنوان اولین شوک سیاسی قرن هم به این اتفاق اهدا می شود و گرنه ما که همیشه در صحنه رزمیم و به امید خدا پیروز حتی اگر کم باشیم.

